

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال پانزدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹: ۱۱۵ - ۹۱

رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض

زناشویی، نقش تعدیل‌کننده دینداری

مسعود جان بزرگی^۲

فرشته موتابی^۴

عباس علی هراتیان^۱

مژگان آگاه‌هریس^۳

محمد مهدی صفورایی پاریزی^۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۶

چکیده

یکی از مشکلات شایع در دنیای امروز خانواده‌ها، تعارضهای زناشویی است. هدف این پژوهش توصیفی - همبستگی، بررسی رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به نقش تعدیل‌کننده دینداری است. جامعه آماری این پژوهش را متأهلان استان سمنان تشکیل می‌دادند که ۷۸۲ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای به‌عنوان شرکت‌کنندگان پژوهش انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان ضمن ارائه برخی مشخصات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه‌های پایبندی دینی (JRAQ)، تعارض زناشویی (MCQ-R)، روان‌بندهای ناسازگار اولیه (YSQ-SF) و باورهای غیرمنطقی (IBT) را پاسخ گفتند. داده‌ها با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و آزمون Z فیشر مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج، نقش چالشی دینداری در رابطه نمره کل و پنج حوزه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و نمره کل و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی را مورد تأیید قرار داد؛ بدین صورت که رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی در گروه متأهلان با سطح دینداری بالا به میزان معناداری قویتر است. در نتیجه، دینداری متغیری است که تحت تأثیر روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی، کنشی متفاوت و گاهی منفی به خود می‌گیرد. بنابراین تقویت دینداری، لزوماً به ناکارآمدی روان‌بندهای ناسازگار و کاهش باورهای غیرمنطقی منجر نخواهد شد. **کلیدواژه‌ها:** روان‌بندهای ناسازگار اولیه، باورهای غیرمنطقی در ازدواج، تعارض زناشویی و دینداری، نقش تعدیل‌کننده دینداری.

a.haratiyan@rihu.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۲. استاد تمام گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۳. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور گرمسار

۴. دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

۵. دانشیار روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

خانواده، جوهره‌ای زنده و در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی، تعاملی و طرح‌دار یا یکدیگر، کل را ساماندهی می‌کند و در طول زمان و مکان گسترش می‌یابد (موسوی، رشیدی و گل‌محمدیان، ۱۳۹۴: ۹۳). معمولاً عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، عاطفی و روانشناختی، پایداری و انسجام این نهاد دیرینه و سازنده اجتماعی را تضعیف می‌کند (آماتو^۱ و ماروت^۲، ۲۰۱۶: ۶۲۲). هالفورد^۳ (۲۰۰۱) به نقل از حیدری، ثنایی‌ذاکر، نوایی‌نژاد و دلاور، (۱۳۸۸: ۱۵) معتقد است تعارض زناشویی^۴ نوعی نبود توافق مداوم و معنادار بین همسران است که یکی از آنها گزارش می‌کند. منظور از معنادار بودن، تأثیر این مسئله بر عملکرد همسران و منظور از تداوم، اشاره به اختلافاتی است که بمرور زمان از بین نمی‌رود.

ازدواج به دلایل گوناگونی می‌تواند دچار تعارض شود. دولانگ^۵ (۲۰۰۷: ۴۶ - ۴۷) معتقد است که افراد مختلف، اهداف متفاوتی از ازدواج دارند؛ به نوعی که ازدواج را به دید فرصتی برای جبران ناکامیها یا تأیید باورهایشان می‌دانند. حال چنانچه این نیازها در زندگی مشترک برآورده نشود، موجب احساس ناامیدی در روابط و شکست نهایی خواهد شد. برخی از محققان و نظریه‌پردازان از جمله الیس^۶ (۱۹۷۸) به نقل از فلانگان^۷ و فلانگان^۸، (۲۰۰۴: ۲۵۹) علت اصلی تعارضهای زناشویی را در باورهای غیرمنطقی^۹ می‌جویند. به همین دلیل، متغیر باورهای غیرمنطقی در بسیاری از پژوهشهای حوزه زناشویی، مورد توجه بوده است؛ به‌طور مثال رابطه منفی و معنادار این متغیر با رضایت زناشویی (پوررحیمی و شاکر، ۱۳۹۱: ۱۱)، سازگاری زناشویی (مسرت مشهدی و دولتشاهی، ۱۳۹۶: ۶۹) و رابطه مثبت و معنادار این متغیر با الگوی ناکارآمد ارتباطی همسران (سیاوشی و نوایی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۹)، تعارض زناشویی (مهین‌ترابی، مظاهری، صاحبی و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۷ و مولر^{۱۰}، رابی^{۱۱} و نورتج^{۱۲}، ۲۰۰۱: ۲۵۹)، دلزدگی زناشویی (بختیارپور و

1. Amato, P.R.
2. Marriott, B.H.
3. Halford, W.K.
4. Marital conflict
5. Dulong, J.
6. Ellis, A.
7. Flanagan, J.
8. Flanagan, R.
9. Irrational beliefs
10. Muller, A.T.
11. Rabe, H.M.
12. Nortje, C.

عامری، ۱۳۸۸: ۵۳)، ناسازگاری زناشویی (موسوی و قاضی، ۱۳۹۶: ۵۴) و پاسخهای زیانبار فعال در روابط (متز^۱ و کاپاچ^۲، ۱۹۹۰: ۱۷۰) مورد تأیید قرار گرفته است.

الیس (۲۰۰۱) به نقل از رشیدی، قدسی و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹: ۶۰) باورهای غیرمنطقی را اغراق‌آمیز، انعطاف‌ناپذیر، مطلق‌گرا و غیرواقعی می‌داند که بر الزام، اجبار، جزم‌اندیشی و اجحاف تأکید می‌کند و مانع سلامت فکر و روان و سالم‌سازی محیط فردی و اجتماعی می‌شود. البته او در توسعه‌ای مفهومی، باورهای غیرمنطقی را به هر نوع فکر، هیجان یا رفتاری اطلاق می‌کند که موجب تخریب نفس و از بین رفتن خود می‌شود. الیس (۲۰۰۹) تصدیق کرد که رها شدن انسانهای پراکنجه از دست تحقیر خویشتن و خودخوار شماری ممکن است سطح تحمل ناکامی آنها را در روابط از جمله روابط زناشویی افزایش، و در نهایت آنها را به سمت موفقیت و پیشرفت سوق دهد (بختیارپور و عامری، ۱۳۸۸: ۵۶). ده تفکر یا باور غیرمنطقی الیس (۱۹۷۳) به نقل از معتمدین و عبادی، ۱۳۸۶: ۲ - ۳) عبارت است از نیاز به تأیید دیگران^۳، انتظار زیاد از خود^۴، تمایل به سرزنش^۵، واکنش به ناکامی^۶، بی‌مسئولیتی عاطفی^۷، نگرانی همراه با اضطراب^۸، پرهیز از مشکلات^۹، وابستگی^{۱۰}، درماندگی نسبت به تغییر^{۱۱} و کامل‌گرایی^{۱۲}.

نظیری، دادفر و کریمی کیسمی (۱۳۸۴: ۲۸۳) همبستگی باورهای ناکارآمد شناختی را با دینداری^{۱۳} مورد پژوهش قرار دادند. آنها با مطالعه ۴۳ بیمار مبتلا به اختلال وسواسی-اجباری نشان دادند که بین دینداری با باورهای ناکارآمد شناختی، احساس گناه و شدت نشانه‌های وسواسی-اجباری همبستگی منفی وجود دارد. احتشام‌زاده، برنا و یوسفی (۱۳۹۰: ۵۵ - ۶۴) نیز در بررسی رابطه جهتگیری دینی و باورهای غیرمنطقی با افسردگی ۱۲۰ بیمار MS، نشان دادند که افراد با جهتگیری دینی بیرونی، باورهای غیرمنطقی بیشتری دارند و از افسردگی بیشتری رنج می‌برند.

1. Metts, S.
2. Cupach, W.R.
3. Demand for approval
4. High self-expectation
5. Blame proneness.
6. Frustration reaction
7. Emotionality irresponsibility
8. Anxious over concern
9. Problem avoidance
10. Dependency
11. Helplessness for change
12. Perfectionism
13. Religious adherence

از نظر یانگ^۱، گلوکسکو^۲ و ویشار^۳ (۲۰۰۳ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۸) روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه^۴ است که همیشه باعث ایجاد سوگیری در تفسیر انسان از وقایع می‌شود و این سوگیریها به صورت سوء تفاهم، نگرشهای تحریف‌شده، فرضهای نادرست و هدفها و انتظارات غیرواقعیانه تجلی می‌یابد.

روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان و ساختارهای شناختی عمیقی، شامل باورهایی درباره خود، دیگران و محیط هست که از ارضا نشدن نیازهای اولیه بویژه نیازهای هیجانی در دوره کودکی سرچشمه می‌گیرد (دائمی و جان بزرگی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). از نگاه یانگ (۱۹۹۰) این روان‌بنه‌ها، اطلاعات مربوط به رابطه فرد و محیط را تحریف، و افکار خودکار منفی را فعال می‌کند و در نهایت، نگرشها و پردازش شناختی نابهنجار را در پی دارد و بنابر عقیده استالارد^۵ (۲۰۰۷) بر حافظه، شناخت، احساسات و حالات جسمانی و روابط بین فردی فرد اثر می‌گذارد (دائمی و جان بزرگی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). اگر چه گاهی فرد می‌داند روان‌بنه به ناراحتی وی منجر می‌شود با روان‌بنه احساس راحتی می‌کند و همین احساس راحتی، فرد را به این نتیجه می‌رساند که روان‌بنه‌اش درست است. افراد به سمت وقایعی کشیده می‌شوند که با روان‌بنه‌هایشان همخوانی دارد و به همین دلیل تغییر روان‌بنه‌ها سخت است. آنها به روان‌بنه‌ها به عنوان حقایقی می‌نگرند و بدون به بوت‌آزمایش گذاشتن صحت و سقم آنها، معتقدند که این حقایق درست است (یانگ، کلاسکو^۶ و ویشار^۷، ۲۰۰۳ ترجمه حمیدپور، ۱۳۹۸).

برخی تحقیقات حوزه زناشویی نشان داده است که روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، پیش‌بینی‌کنندگان قدرتمندی برای ناسازگارها، تعارضهای زناشویی و طلاق است. پژوهشها رابطه مثبت و معنادار روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه را با طلاق (یوسفی، اعتمادی، احمدی، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۸۹: ۲۱)، خشونت و پرخاشگری زناشویی (کرافورد^۸ و رایت^۹، ۲۰۰۷: ۹۳ و مسمن‌مور^{۱۰} و کوتز^{۱۱}، ۲۰۰۷: ۷۵)، نارضایتی زناشویی (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵ و یوسفی،

1. Young, J.E.
2. Klosko, J.
3. Weishoar, M.E.
4. Early maladaptive schemas
5. Stallard P.
6. Klosko, J.S.
7. Weishaar, M.E.
8. Crawford, E.
9. Wright, M.O.
10. Messman-Moore, T.L.
11. Coates, A.A.

عابدین، فتح‌آبادی و تیرگری، (۱۳۹۰: ۱۳۹) و رابطه منفی و معناداری روان‌بندهای ناسازگار اولیه با صمیمیت زناشویی (ذوالفقاری، فاتحی‌زاده و عابدی، ۱۳۸۷: ۲۴۷ و پانس^۱، ویلیامز^۲ و آلن^۳، ۲۰۰۴: ۹۷)، همسرگزینی موفق (خسروی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۱)، روابط عاشقانه (گافی^۴، ۲۰۰۹: ۲) و رضامندی زناشویی (مختاری، بهرامی، پاداش، حسینیان و سلطان‌زاده، ۲۰۱۲: ۲۰۷) مورد تأیید قرار داده است.

از دیگر متغیرهایی که در تعامل با باورهای هسته‌ای^۵ و روان‌بندهاست، دینداری است؛ زیرا با همه اختلاف نظرهایی که در تعریف دین و دینداری وجود دارد، این نکته ثابت است که آنها از باورهای هسته‌ای، ارزشها و تجربیات انسانی حکایت دارند (ورگان^۶، وان^۷، لوپزلیبور^۸، کاکس^۹ و ماسائی^{۱۰}، ۲۰۱۰: ۱۵۸). به اعتقاد پارک^{۱۱} (۲۰۱۲: ۲۶) دینداری همانند سازه‌ای چندبعدی می‌تواند باورهای کلی و هسته‌ای را تحت تأثیر قرار دهد؛ بلکه به ایجاد باورهای هسته‌ای درباره رویدادهای زندگی پردازد (دالمن^{۱۲} و وندکریک^{۱۳}، ۲۰۰۰: ۲۵۱۴). دین را می‌توان روان‌بنه کلی شناختی دانست که راهنمای افراد در چگونگی درک جهان اطراف آنها و واکنشها و رفتارهای خود را در زندگی روزمره تلقی می‌کند. دین به‌عنوان روان‌بنه، اجازه می‌دهد تا افراد به تفسیر محرکهای محیطی پردازد؛ عناصر گمشده را بیابد و شکافهای شناختی و هیجانی را پر کند و به‌عنوان ابزاری هوشمند به ساده و کوتاه شدن فرایند حل مسئله پردازد (هاسلی^{۱۴}، ۲۰۰۶: ۲). در زمینه نقش واسطه‌ای دینداری بین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و ناسازگارهای ارتباطی (از جمله ناسازگاری زناشویی)، ریسین^{۱۵} (۲۰۰۵: ۱) در مطالعه ۲۰۰ دانشجوی کاتولیک دوره کارشناسی، نشان داد که مقابله دینی، میانجی تأثیرگذاری بین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و رفتارهای منفی و ناسازگاری در

1. Ponce, A.N.
2. Williams, M.K.
3. Allen, G.J.
4. Gaffey, K.J.
5. Core beliefs.
6. Verhagen, P.
7. Van P.H.M.
8. López-Ibor, J.J.
9. Cox, J.
10. Moussaoui, D.
11. Park, C.L.
12. Daaleman, T. P.
13. VandeCreek, L.
14. Haseley, J. L.
15. Racine, C.T.

روابط است. ولز^۱ (۲۰۰۷: ۲) نیز در مطالعه ۱۲۹ دانشجویان نشان داد که بین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با سازگاری تجربه شده در روابط و رفتارهای مثبت، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ ضمن اینکه معنویت‌گرایی، می‌تواند نقش میانجی بین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و خلق و خود و سازگاری در روابط را ایفا کند.

تحقیقات، رابطه مثبت و معناداری بین دینداری با رضامندی زناشویی (منجزی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰ و اورتیکنال^۲ و ونستیوگن^۳، ۲۰۰۶: ۴۹۷)، سازگاری زناشویی (صدیقی، صفریگی، محبی و شاه‌سیاه، ۱۳۹۳: ۴۹)، ثبات ازدواج (سالیوان^۴، ۲۰۰۱: ۶۱۰)، تقدس‌نگری نسبت به ازدواج (ماهونی^۵، پارگامنت^۶، جول^۷، سوانک^۸، اسکات^۹، امری^{۱۰} و ری^{۱۱}، ۱۹۹۹: ۳۲۱)، تعهد زناشویی (سالیوان، ۲۰۰۱: ۶۱۰)، کارکرد خانواده (عبدالله‌پور، مقیمی‌آذری، قلی‌زاده، سیدمهدوی اقدم و اشرفی زکی، ۱۳۸۸: ۱۵۸)، کیفیت ازدواج (هانت^{۱۲} و کینگ^{۱۳}، ۱۹۷۸: ۳۹۹)، همدلی زناشویی (اسنو^{۱۴} و کاپتن^{۱۵}، ۱۹۹۶: ۹۷۹)، صمیمیت زناشویی (باتلر^{۱۶}، استات^{۱۷} و گاردنر^{۱۸}، ۲۰۰۲: ۱۹) و... و رابطه‌ای منفی و معنادار با احتمال طلاق (جمشیدی‌ها، نریمانی و جمالی، ۱۳۹۴: ۱۰)، تعارض زناشویی (احمدی و افسردیر، ۱۳۹۳) و... یافته است.

برخی از دانشمندان، مشکل روانشناختی را در ارتباط با دورافتادگی انسانها از دین می‌دانند و معتقدند دینداری می‌تواند اثر بحرانهای شدید زندگی را تعدیل کند (غرابی، احمدوند، اکبری دهقی و زوزیان، ۱۳۸۷: ۶۶). این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این سؤال است که با توجه به سطح دینداری افراد، رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض

-
1. Wells, N.D.
 2. Orathinkal, J.
 3. Vansteewegen, A.
 4. Sullivan, K.T.
 5. Mahoney, A.
 6. Pargament, K.I.
 7. Jewell, T.
 8. Swank, A.B.
 9. Scott, E.
 10. Emery, E.
 11. Rye, M.
 12. Hunt, R.A.
 13. King, M.B.
 14. Snow, T.S.
 15. Compton, W.C.
 16. Butler, M.H.
 17. Stout, J.A.
 18. Gardner, B.C.

زناشویی چگونه است؛ به عبارت دیگر آیا دینداری افراد، توان ناکارآمدسازی روان‌بندهای ناسازگار اولیه و کاهش باورهای غیرمنطقی را در جهت کاهش یا جلوگیری از به وجود آمدن تعارضات زناشویی دارد؟ بدین ترتیب تحقیق می‌تواند پژوهشی در راستای موضوع خانواده و خانواده‌درمانی به شمار آید و نقش دینداری را در زندگی زناشویی برجسته کند.

روش

پژوهش از نوع توصیفی است، و از روش همبستگی استفاده شده است. روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی (متغیرهای مستقل) به عنوان عاملی که می‌تواند بر تعارض زناشویی (متغیر وابسته) تأثیر بگذارد و دینداری متغیر مستقل تعدیل‌کننده در نظر گرفته می‌شود. پژوهش از نوع توصیفی، و از روش همبستگی استفاده شده است. روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی (متغیرهای مستقل) به عنوان عاملی که می‌تواند بر تعارض زناشویی (متغیر وابسته) تأثیر بگذارد و دینداری متغیر مستقل تعدیل‌کننده در نظر گرفته می‌شود. جامعه پژوهش، متأهلان ساکن در استان سمنان بودند که سن آنها بین ۱۸ تا ۴۰ و سن ازدواج آنها بین ۱ و ۱۵ سال قرار داشت. با توجه به آمار مرکز آمار ایران (درگاه مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶) از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد این جامعه، ۳۷۰۳۲۲ نفر است. با توجه به نوع پژوهش و حجم جامعه مورد نظر براساس جدول کرچسی^۱ - مورگان^۲ (بیابانگرد، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۲۹) حجم ۳۸۴ نفر کافی است. نمونه آماری^۳ مورد پژوهش از میان این جامعه (زوجهای ساکن در استان سمنان) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای^۴ گردآوری شده است. در مرحله اول، چهار شهر (دامغان، شاهرود، سمنان و گرمسار) از شهرهای استان سمنان به صورت تصادفی انتخاب، و سپس در هر شهر پس از انتخاب تصادفی دو محله اصلی، پس از فراخوان اعلان در اجتماعات (دانشگاه، مجالس دینی و غیردینی) به صورت تصادفی از میان داوطلبان، افرادی برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش این موارد بود: مدت ازدواج بیش از ۱ و کمتر از ۱۵ سال، تأهل در وضعیت فعلی، دامنه سنی بین ۱۸ تا ۴۰ سال، امضای رضایتنامه برای شرکت در پژوهش و پر کردن پرسشنامه توسط هر دو زوج. معیارهای خروج نیز شامل این موارد بوده است:

1. Krejci, R.V.
2. Morgan, D.V.
3. Statistical sample
4. Multistage random sampling

مدت ازدواج کمتر از ۱ و بیش از ۱۵ سال، متارکه یا زندگی جدا یا اقدام به طلاق، سالهای کمتر از ۱۸ سال و بیش از ۴۰ سال، پر کردن پرسشنامه، تنها توسط یکی از زوجین و ابتلا به اختلالات روانشناختی یا بیماریهای مزمن جسمی مانند دیابت، بیماری قلبی یا معلولیت. پس از مصاحبه اولیه با توجه به معیارهای ورود و خروج و ارائه توضیحات لازم به شرکت کنندگان، چهار پرسشنامه پایبندی دینی، روان‌بندهای ناسازگار اولیه، باورهای غیرمنطقی و تعارضهای زناشویی و پرسشهای جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، دین، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، وضعیت اقتصادی، چگونگی آشنایی با همسر و تحصیلات) در آنان ایشان قرار گرفت و خواسته شد با رعایت دقت و امانت به سؤاها پاسخ دهند. از شرکت کنندگان خواسته شد درباره پاسخهای خود با همسرشان گفتگو نکنند تا تأثیری بر پاسخگویی آنها نداشته باشد. ۱۰۰۰ پرسشنامه توزیع شد که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، اطلاعات ۷۸۲ شرکت کننده در مرحله تحلیل با نسخه ۱۸ نرم‌افزار SPSS شد.

ابزارهای پژوهش

الف. فرم کوتاه پرسشنامه روان‌بندهای ناسازگار اولیه^۱ در سال ۱۹۹۸ توسط یانگ برای اندازه‌گیری ۱۵ روان‌بنده ناسازگار اولیه ساخته شد که از ۷۵ ماده تشکیل شده است. در پژوهش والرا^۲، می‌یر^۳ و آنین^۴ (۲۰۰۱) اعتبار مقیاس براساس آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶۴ و ضرایب بازآزمایی بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ در یک جمعیت غیربالینی به دست آمد؛ ضمن اینکه روایی واگرا، ۰/۹۰ و همگرایی ۰/۸۵ به دست آمد. در ایران در پژوهشی که توسط آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶) به منظور بررسی روانی و اعتبار فرم کوتاه مقیاس یانگ (فرم ۷۵ سؤالی) درباره دانشجویان انجام شد، نشان داده شد که پایایی پرسشنامه به دو شیوه آلفای کرونباخ و بازآزمایی

1. YSQ-SF: Young Schema Questionnaire: Short Form.
2. Waller, G.
3. Meyer, C.
4. Ohanian, V.

به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود و همچنین همبستگی مناسب با پرسشنامه نشانه‌های اختلالات روانی (SCL-25) نشان داد این پرسشنامه دارای اعتبار سازه کافی برای استفاده در جامعه دانشجویی ایران است. این ابزار خودتوصیفی، دارای پاسخهای لیکرته ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط = ۱ تا کاملاً درست = ۶) است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش، ۰/۹۴ به دست آمد.

ب. پرسش‌نامه باورهای غیرمنطقی^۱ در سال ۱۹۶۸ توسط جونز ایجاد و توسعه یافت. این پرسشنامه براساس نظریه آلبرت ایس تهیه شده و در مجموع از ده مقیاس و هر مقیاس از ده سؤال تشکیل یافته است. سؤالهای آزمون به روش لیکرت به صورت ۵ درجه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» تهیه شده است. جونز (۱۹۶۹) پایایی آزمون به روش بازآزمایی را ۰/۹۲ هر یک از خرده‌مقیاسهای ده‌گانه آن را از ۰/۶۶ تا ۰/۸۰ گزارش کرد. در ایران نیز پایایی این آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش نقی‌پور (۱۳۷۳) به نقل از آینه‌چی، (۱۳۹۰: ۹۰) با استفاده از یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با میانگین سنی ۲۴/۲۵ سال، ۰/۷۱ به دست آمد. دوناپوش (۱۳۷۷) برای بررسی روایی همگرا، همبستگی آزمون جونز با آزمون افسردگی بک را ۰/۸۲ محاسبه کرد. روایی صوری آزمون نیز مورد تأیید متخصصان روانشناسی مشاوره قرار گرفته است (گردی، میناکاری و حیدری، ۱۳۸۴: ۴۹). آلفای کرونباخ پرسشنامه در این پژوهش، ۰/۶۶ به دست آمد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش، ۰/۶۶ به دست آمد.

ج. پرسش‌نامه پابندی دینی^۲ براساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه (خطبه همام) درباره ویژگیهای مؤمنان ساخته شده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۸۸ - ۸۹). جان‌بزرگی (همان: ۹۶ - ۹۷) پس از دریافت روایی محتوا از سوی خبرگان دینی و روانشناس (موافقت بیش از ۰/۷۵ برای تناسب گزاره‌ها با مفاهیم و مفاهیم با گویه‌ها) و تحلیل داده‌ها، این پرسشنامه را دارای سه خرده مقیاس یافته است: پابندی دینی، ناپابندی دینی و دوسوگرایی دینی. آلفای کرونباخ کل آزمون معادل ۰/۸۱۶ و آلفای کرونباخ هر یک از مقیاسهای پابندی دینی، دوسوگرایی و ناپابندی دینی به ترتیب ۰/۸۷۸، ۰/۶۸۷، ۰/۷۲۵ (و میانگین آلفای همه خرده مقیاسها ۰/۷۶۳) نشانگر پایایی مناسب این پرسشنامه است. برای محاسبه روایی ملاک، صورت اولیه این پرسشنامه قبل از تحلیل عاملی با آزمون جهتگیری دینی آپورت محاسبه شد که ضریب همبستگی ۰/۴۷ به دست آمد ($P < ۰/۰۱$). پاسخها به شکل لیکرته است که ضمن ارائه نمره هر عامل، نمره کلی پابندی نیز قابل محاسبه

است که با معکوس کردن سؤالهای گویه‌های مربوط به عامل اول و دوم به دست می‌آید. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش، ۰/۷۸ به دست آمد.

د. فرم بازنگری شده پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱ ابزاری ۵۴ سؤالی است که برای سنجیدن تعارضات زن و شوهری است. این پرسشنامه، هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت است از کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰،۹۶ و برای ۸ خرده مقیاس آن، از ۰/۳۳ تا ۰/۸۹ به دست آمد. پرسشنامه از روایی محتوای مناسبی برخوردار است و همبستگی سؤالها با نمره کل زیاد است (باقرثنایی، علاقبند، فلاحتی و هومن، ۱۳۹۶: ۵۷). برای هر سؤال، پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است (همان: ۵۸ - ۵۹). آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش، ۰/۸۹ به دست آمد.

یافته‌ها

در جداول ۱ تا ۴ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زوجین شرکت کننده در چهار متغیر اصلی پژوهش و زیرمقیاسهای آنها ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگیهای توصیفی نمره کل و حوزه‌های روان‌بندی به تفکیک جنسیت (در هر گروه $n=391$)

متغیر	جنسیت	M	SD	کمینه	بیشینه
محدوده بریدگی و طرد	مرد	۵۵/۲۵	۱۷/۴۸	۲۵	۱۲۰
	زن	۵۵/۷۸	۱۷/۲۹	۲۵	۱۱۵
جهتمندی دیگرسو	مرد	۲۷/۱۱	۷/۷۴	۱۰	۵۴
	زن	۲۷/۱۹	۷/۱۱	۱۰	۵۴
محدودیت‌های مختل	مرد	۲۹/۴۶	۸/۶۷	۱۰	۵۸
	زن	۲۹/۰۷	۸/۳۰	۱۰	۵۲

1. MCQ-R: marital conflict questioner –revised.

ادامه جدول ۱. ویژگیهای توصیفی نمره کل و حوزه‌های روان‌بندهای تفکیک جنسیت (در هر گروه $n=391$)

متغیر	جنسیت	M	SD	کمینه	بیشینه
بازداری و فزون گوش‌به‌زنگی	مرد	۳۱/۶۹	۸/۰۷	۱۰	۵۸
	زن	۳۱/۴۴	۸/۱۵	۱۰	۵۵
خودگردانی و عملکرد مختل	مرد	۴۱/۴۷	۱۴/۱۷	۲۰	۹۰
	زن	۴۲/۹۰	۱۴/۶۱	۲۰	۹۹
نمره کل روان‌بندهای ناسازگار اولیه	مرد	۱۸۴/۹۸	۴۴/۷۲	۷۹	۳۲۴
	زن	۱۸۶/۳۷	۴۴/۲۹	۸۹	۳۴۷
	کل	۱۸۵/۶۸	۴۴/۴۸	۷۹	۳۴۷

جدول ۲. ویژگیهای توصیفی نمره‌های باورهای غیرمنطقی به تفکیک جنسیت (در هر گروه $n=391$)

متغیر	جنسیت	M	SD	کمینه	بیشینه
نیاز به تأیید دیگران	مرد	۲۷/۷۳	۴/۲۸	۱۴	۴۱
	زن	۲۷/۶۹	۴/۲۰	۱۵	۴۲
انتظار زیاد از خود	مرد	۳۰/۸۲	۳/۸۹	۱۸	۴۴
	زن	۳۱/۶۷	۴/۲۱	۲۱	۴۴
تمایل به سرزنش	مرد	۳۱/۷۸	۳/۹۶	۲۰	۴۵
	زن	۳۱/۷۳	۴/۲۴	۲۰	۴۵
واکنش به ناکامی	مرد	۲۷/۵۴	۴/۱۹	۱۶	۴۰
	زن	۲۸/۵۳	۴/۰۴	۱۵	۳۸
بی‌مسئولیتی عاطفی	مرد	۲۵/۴۱	۴/۵۲	۱۴	۳۹
	زن	۲۶/۰۱	۴/۸۴	۱۴	۴۱
نگرانی همراه با اضطراب	مرد	۳۲/۴۳	۵/۳۴	۱۸	۴۹
	زن	۳۴/۱۱	۵/۷۶	۱۳	۴۹
پرهیز از مشکلات	مرد	۲۵/۸۳	۴/۵۶	۱۳	۴۰
	زن	۲۵/۶۱	۳/۹۸	۱۵	۳۸
وابستگی	مرد	۳۰/۰۸	۴/۳۴	۱۴	۴۰
	زن	۳۱/۴۸	۴/۰۰	۱۹	۴۳
درماندگی نسبت به تغییر	مرد	۳۱/۹۳	۴/۷۰	۲۰	۴۷
	زن	۳۲/۰۵	۴/۹۰	۱۸	۵۰
کامل‌گرایی	مرد	۲۵/۷۷	۴/۰۶	۱۴	۳۶
	زن	۲۴/۹۴	۴/۱۱	۱۴	۴۳
نمره کل باورهای غیرمنطقی	مرد	۲۸۹/۳۳	۱۹/۴۸	۲۳۴	۳۵۹
	زن	۲۹۳/۶۰	۱۹/۳۹	۲۳۱	۳۴۴
	کل	۲۹۱/۴۷	۱۹/۵۳	۲۳۱	۳۵۹

جدول ۳. ویژگیهای توصیفی نمره‌های تعارض زناشویی به تفکیک جنسیت (در هر گروه $n=391$)

متغیر	جنسیت	M	SD	کمینه	بیشینه
کاهش همکاری	مرد	۹/۲۲	۳/۳۵	۵	۲۱
	زن	۸/۳۰	۲/۸۱	۵	۱۹
کاهش رابطه جنسی	مرد	۹/۵۹	۳/۰۹	۵	۲۰
	زن	۹/۹۶	۳/۱۳	۵	۲۰
افزایش واکنش هیجانی	مرد	۱۷/۲۳	۳/۷۳	۳۱	۲۲
	زن	۱۸/۷۲	۴/۰۳	۱۱	۳۲
افزایش جلب حمایت فرزند	مرد	۹/۷۴	۳/۰۳	۵	۱۹
	زن	۱۰/۱۳	۳/۲۶	۵	۲۱
افزایش رابطه با فامیل خود	مرد	۹/۴۵	۳/۷۱	۶	۲۴
	زن	۹/۱۹	۳/۲۷	۶	۱۹
کاهش رابطه با فامیل همسر	مرد	۹/۲۲	۳/۷۷	۶	۲۷
	زن	۹/۵۱	۳/۴۵	۶	۲۲
جداکردن امور مالی	مرد	۱۴/۴۶	۳/۴۰	۷	۳۰
	زن	۱۳/۱۱	۳/۹۹	۷	۳۲
کاهش ارتباط مؤثر	مرد	۲۵/۹۲	۶/۴۲	۱۳	۴۵
	زن	۲۷/۹۹	۷/۰۲	۱۲	۴۹
نمره کل تعارض	مرد	۱۰۵/۴۸	۲۲/۸۸	۶۸	۱۷۴
	زن	۱۰۶/۹۱	۲۱/۹۶	۶۷	۱۶۶
	کل	۱۰۶/۱۹	۲۲/۴۲	۶۷	۱۷۴

جدول ۴. ویژگیهای توصیفی نمره‌های پایبندی دینی به تفکیک جنسیت (در هر گروه $n=391$)

متغیر	جنسیت	M	SD	کمینه	بیشینه
پایبندی دینی	مرد	۷۲/۰۵	۸/۸۹	۳۸	۸۸
	زن	۷۴/۳۲	۷/۵۱	۳۸	۸۸
دوسوگرایی دینی	مرد	۵۱/۳۲	۹/۱۶	۲۸	۷۳
	زن	۵۱/۵۷	۸/۹۴	۲۶	۷۶
ناپایبندی دینی	مرد	۳۹/۳۶	۷/۸۷	۱۹	۶۰
	زن	۳۶/۹۴	۷/۴۱	۱۷	۶۱
نمره کل پایبندی	مرد	۹۹/۳۲	۱۵/۲۷	۵۹	۱۳۷
	زن	۱۰۱/۴۸	۱۴/۵۷	۶۲	۱۴۱
	کل	۱۰۰/۴۰	۱۴/۹۵	۵۹	۱۴۱

به‌منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده دینداری در رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی، فرض عادی بودن مورد بررسی قرار گرفت که شرح آن در جدول ۵ ذیل ارائه شده است.

جدول ۵. آزمون کولموگراف اسمیرنف

	تعارض زناشویی	باورهای غیرمنطقی	روان‌بندهای ناسازگار اولیه	پابندی دینی
Test Statistic	۰/۰۳۳	۰/۰۳۰	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱
Asymp. Sig. (2-tailed)	۰/۰۸۰	۰/۰۷۲	۰/۰۹۰	۰/۰۷۰

پس از بررسی فرض زیربنایی عادی بودن توزیع نمره‌ها براساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنف ($P > ۰/۰۵$) از روش تبدیل T به Z فیشر استفاده شده است؛ بدین معنی که ابتدا نمره کل دینداری براساس $M \pm SD$ طبقه‌بندی شد؛ بدین صورت که بیش از یک انحراف استاندارد از میانگین به‌عنوان گروه دینداری خوب و کمتر از انحراف استاندارد کم میانگین به‌عنوان گروه دینداری ضعیف، دسته‌بندی شد؛ سپس میزان همبستگی میان دو متغیر مستقل و وابسته در هر یک از این دو سطح، محاسبه شد. با به‌دست آمدن نمره‌های Z فیشر و سطح اطمینان آن، نتیجه مقایسه دو همبستگی، مشخص شد که در جدول ۶ مشهود است.

جدول ۶. نتایج آزمون Z فیشر در مورد مقایسه تفاوت همبستگی تعارض زناشویی با حوزه‌های روان‌بنه‌ای و باورهای غیرمنطقی در دو گروه با دینداری قوی و ضعیف (na=۱۲۵ و nb=۱۲۸)

متغیر	گروه دینداری قوی (rb)	گروه دینداری ضعیف (ra)	Z	P
روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه	بریدگی و طرد	۰/۵۳۴**	۰/۲۳۴**	۰/۰۰۵۰
	خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۴۷۳**	۰/۱۶۱	۰/۰۰۵۷
	جهتمندی دیگرسو	۰/۳۳۱**	۰/۰۳۷	۰/۰۱۵۹
	بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی	۰/۳۰۵**	-۰/۰۶۹	۰/۰۰۲۵
	محدودیت‌های مختل	۰/۳۹۴**	-۰/۲۱۲*	۰/۱۱۳۸
باورهای غیرمنطقی	نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه	۰/۵۴۲**	۰/۱۷۴	۰/۰۰۰۷
	نیاز به تأیید دیگران	۰/۳۲۰**	۰/۱۱۴	۰/۰۸۷۹
	انتظار زیاد از خود	۰/۲۱۶*	-۰/۰۷۴	۰/۰۲۱۰
	تمایل به سرزنش	۰/۲۵۷**	-۰/۲۱۳*	۰/۰۰۰۰
	واکنش به ناکامی	۰/۲۹۷**	۰/۰۸۹	۰/۰۸۸۱
	بی‌مسئولیتی عاطفی	۰/۳۷۷**	۰/۴۱۵**	۰/۴۷۴۹
	نگرانی همراه با اضطراب	۰/۳۲۸**	-۰/۳۹۴**	۰/۰۰۰۰
	پرهیز از مشکلات	۰/۲۰۵*	۰/۳۰۸**	۰/۳۸۵۷
	وابستگی	-۰/۰۰۳	-۰/۳۱۲**	۰/۰۱۱۹
	درماندگی نسبت به تغییر	۰/۲۲۰*	-۰/۰۶۴	۰/۰۲۳۷
	کامل‌گرایی	۰/۱۰۴	۰/۵۱۱**	۰/۰۰۰۳
	نمره کل باورهای غیرمنطقی	۰/۵۴۴**	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰۱

**P<۰/۰۱, *P<۰/۰۵

همان‌گونه که در جدول منعکس شده نتایج آزمون Z فیشر بیانگر معناداری تفاوت رابطه میان نمره‌های کل تعارض زناشویی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در سطوح مختلف دینداری است (P < ۰/۰۱ و Z = -۳/۳۸۸) به طوری که در گروه دینداری سطح بالا میان نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی همبستگی متوسط و مستقیم (P < ۰/۰۱ و r = ۰/۵۴۲) وجود دارد در حالی که در گروه با دینداری سطح پایین این ارتباط معنادار نیست؛ به عبارت دیگر در گروه با دینداری سطح بالا، رابطه روان‌بنه با تعارض زناشویی به‌طور معنادار قویتر است. این یافته

در مورد حوزه‌های روان‌بندهای^۱ بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، جهت‌مندی دگرسو و بازداری و محدودیت‌های مختل نیز صادق است به این معنا که در گروه با دینداری سطح بالا، رابطه این چهار حوزه روان‌بندهای با تعارض زناشویی به‌طور معنادار از این رابطه در گروه دینداری سطح پایین قوی‌تر است. تنها در حوزه محدودیت‌های مختل در هر دو گروه با سطوح بالا و پایین دینداری، این مؤلفه با تعارض زناشویی همبستگی ضعیف مستقیم وجود دارد؛ اما این رابطه در دو گروه تفاوت معنادار ندارد؛ یعنی در هر دو گروه با سطوح بالا و پایین دینداری میان همبستگی این دو متغیر تفاوت معنادار وجود ندارد؛ بدین ترتیب سؤال پژوهش درباره ایفای نقش تعدیل‌کنندگی متغیر دینداری، پاسخ مثبت دریافت می‌کند؛ اما این نقش، معکوس است؛ یعنی دینداری، نه تنها توان ناکارآمدسازی روان‌بندهای ناسازگار اولیه را ندارد، بلکه در برخی موارد نقشی منفی ایفا، و همسو با روان‌بندها عمل می‌کند.

نتایج آزمون Z فیشر در مورد باورهای غیرمنطقی نیز، همان‌گونه که در جدول منعکس شده، بیانگر معناداری تفاوت رابطه تعارض زناشویی و نمره کل باورهای غیرمنطقی در سطوح مختلف دینداری است به طوری که در گروه دینداری قوی میان نمره کل تعارض زناشویی با نمره کل باورهای غیرمنطقی همبستگی متوسط معنادار و مستقیم ($P < 0/01$ و $r=0/544$) وجود دارد در حالی که در گروه با دینداری ضعیف این ارتباط، ضعیف و غیرمعنادار است ($P > 0/05$ و $r=0/142$) و این تفاوت معنادار ($P < 0/0001$ و $Z=-3/871$) است. این یافته در مورد باورهای انتظار زیاد از خود، تمایل به سرزنش، نگرانی همراه با اضطراب و درماندگی نسبت به تغییر نیز صادق است؛ لیکن درباره باورهای وابستگی و کامل‌گرایی هرچند تفاوت همبستگی معنادار است در باور وابستگی، رابطه دو متغیر در سطح دینداری ضعیف، معکوس و معنادار و در سطح دینداری قوی، معکوس و غیرمعنادار و در باور کامل‌گرایی رابطه دو متغیر در سطح دینداری ضعیف، مستقیم و معنادار و در سطح دینداری قوی، مستقیم و غیرمعنادار به دست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، دینداری نقش تعدیل‌کننده منفی را بین روان‌بندهای ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی ایفا می‌کند؛ یعنی نه تنها دینداری، نتوانسته است مانع رابطه منفی روان‌بندها با

تعارض زناشویی شود بلکه این رابطه را تقویت کرده است. این یافته با نتیجه پژوهشهای ریسین (۲۰۰۵: ۳) و ولز (۲۰۰۷: ۳) ناهمسو است و نتیجه همسویی به دست نیامد.

در تبیین این یافته، گال^۱، کریس جانسون^۲، چاربونه^۳ و فلوراک^۴ (۲۰۰۹: ۱۷۴) معتقدند رفاه اقتصادی اجتماعی بر نقش تعدیل‌کنندگی دین تأثیرگذار است؛ بدین معنا که برخوردار نبودن یا برخوردار افراطی از رفاه اقتصادی اجتماعی، نقش دین را در تعدیل‌کنندگی مثبت تنش‌ها کاهش می‌دهد. بازتحلیل داده‌ها با توجه به سطوح اقتصادی و جایگاه اجتماعی شرکت‌کنندگان، نشان داد که تحلیل مناسب تبیین یافته حاضر نیست. تبیین مطرح دیگری در این باره معتقد است کسانی که قبل از موقعیت تنش (مانند تنش ناشی از تعارض زناشویی) مقابله دینی (معنوی) کمتری دارند در شرایط تنش، بهره لازم را از مقابله دینی (معنوی) نمی‌برند؛ بلکه گاهی دچار عوارض منفی مقابله ناکارآمد دینی می‌شوند (همان). دیگر احتمال تبیین این یافته این است که کارکرد مثبت مقابله دینی به جهتگیری درونی دینداری مربوط است، نه بیرونی؛ حال اینکه همبستگی مناسب پرسشنامه پایبندی دینی با مؤلفه جهتگیری درونی مقیاس جهتگیری آلپورت این احتمال را تقویت می‌کند که درونی و بیرونی بودن پایبندی دینی و دینداری برای تبیین کارکرد دین کافی نیست.

جان‌بزرگی (۱۳۷۸: ۱۲۴) معتقد است افرادی که از نظر هیجانی ناپایدارند به‌طور ناهشیار اختلالات خود را به زبان دینی بیان می‌کنند؛ بنابراین باید سابقه بیماری بررسی شود؛ چرا که تفکر روان‌گسسته‌وار از بیماری روانی ناشی می‌شود نه از دین. پیروتینسکی^۵، رزمارین^۶، هالت^۷، فلدمن^۸، کاپلان^۹، میدارسکی^{۱۰} و پارگامنت (۲۰۱۱: ۴۹۴) و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) معتقدند تا روان، کارکرد تعادلی لازم را نداشته باشد، دین، نه تنها نیازهای متعالی را ارضا نخواهد کرد بلکه بر شدت اختلالات (عدم تعادل) خواهد افزود. دینداری اگر دارای زیربنای تعادلی نباشد، هر قدر که از گستره شناختی و رفتاری برخوردار باشد، نقش مقابله‌ای مؤثری ایفا نخواهد کرد؛ اما اگر تعادل برپا باشد، تعالی با حجم ضروری دینداری (اکتفا به واجبات و ترک محرمات) رخ خواهد داد و مقابله‌های دینی

1. Gall, T.L.
2. Kristjansson, E.
3. Charbonneau, C.
4. Florack, P.
5. Pirutinsky, S.
6. Rosmarin, D.H.
7. Holt, C.L.
8. Feldman, R.H.
9. Caplan, L.S.
10. Midlarsky, E.

کارآمدی فراهم خواهد شد.

البته می‌توان گفت ممکن است نقش واسطه‌ای یا تعدیل‌کنندگی متغیری دیگر در رابطه تعارض زناشویی و روان‌بندهای ناسازگار اولیه در کنار دینداری نادیده گرفته شده باشد که این متغیر نقش اصلی را میان این دو ایفا کند. این احتمال نیز هست که مراحل تحول روانی معنوی افراد در نقش تعدیل‌کنندگی دینداری میان تعارض زناشویی و روان‌بندهای ناسازگار اولیه تأثیرگذار باشد. بنابر نظریه تحول روانی معنوی گنیا^۱ (۱۹۹۰ به نقل از شک^۲، ۲۰۱۲: ۳ و جان‌بزرگی، ۱۳۸۶: ۳۶۰ - ۳۶۲)، دینداری افراد می‌تواند در یکی از مراحل پنجگانه خودبینانه^۳، تعصبی (جزمی‌نگر)^۴، دوسوگرایانه^۵، بازساخت‌یافته^۶ و متعالی^۷ قرار داشته باشد. افراد با دینداری، می‌توانند در هر یک از این مراحل پنجگانه قرار بگیرند. واضح است در مورد همسرانی که در هر یک از سه مرحله اولیه تحول روانی - معنوی مانده باشند، دینداری نه تنها نمی‌تواند مقابله مثبتی در جهت ناکارآمد کردن عملکرد روان‌بندهای ناسازگار باشد بلکه شناخت، هیجان و رفتار دینی نیز با روان‌بندهای ناسازگار هم‌نوا خواهد شد و همسران را با مشکلاتی فردی و بین‌فردی بیشتری روبه‌رو خواهد کرد؛ به‌طور مثال از نظر جان‌بزرگی (همان: ۳۶۶ - ۳۶۹) همسری که در مرحله خودمیان‌بینی است، دارای تفکرات سحری^۸ و خرافی^۹ دینی است؛ گرفتار تغییرات روزمره و هراس از رهاشدگی (توسط خدا، همسر و دیگران) است. استفاده او از دین به دلیل کسب آرامش و آزادسازی هیجانی است. رفتارهای تکانه‌ای و تحمل کم در برابر ناکامیها از جمله ویژگیهای او است. خدا، فقط موضوع ارضای نیازهاست و منبع رسیدن به لذت. نگاه او به دنیا، تهدیدآمیز و خطرناک است. احساس بی‌کفایتی، عصبانیت‌های بیانی، کینه‌توزی، عدم گذشت، خیالپردازی درباره قدرت، بزرگ‌منشی و کمال و وجود فضای جنجال‌خیز خانوادگی درباره موضوعهای دینی از ویژگیهای دیگر این همسران است. همسری که در مرحله تعصبی است، وجدانی سختگیر^{۱۰}، تفکری

1. Genia, V.
2. Shek, D.T.L.
3. Egocentric
4. Dogmatic
5. Transitional
6. Reconstructed
7. Transformational
8. Magical
9. Superstitious
10. Over conscientious

کاملگرا، رفتارهای دینی بی‌اختیار^۱، هویت هم‌نوا و هم‌رنگ، احساس گناه قوی، خیالپردازیه‌های دینی و ترس‌هایی در موضوع‌های جنسی و روابط صمیمانه و از دست دادن عشق موضوع دارد. خدا در نگاه او قضاوت‌کننده، منتقد و درخواست‌کننده است. برتری جوییه‌های اخلاقی در رفتار او نمود دارد. برای او صحبت درباره افکار و احساس‌های شخصی دشوار است.

در تبیینی دیگر می‌توان گفت برخلاف نظر پارک (۲۰۱۲: ۲۶)، (دالمن و وند کریک، ۲۰۰۰: ۲۵۱۴) و (هاسلی، ۲۰۰۶: ۲) با توجه به اینکه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه از قدمت زمانی بیشتری نسبت به روان‌بنه‌های دینی برخوردار است، عمیق‌تر و مسلط‌تر است؛ لذا چوناً فیلتری عظیم و پیچیده بر سر راه اطلاعات ورودی و هم‌چنین اطلاعات موجود عمل می‌کند و با سرند، دسته‌بندی و سازماندهی، شکل‌گیری معانی جدید را در ذهن شدنی می‌سازد؛ بدین ترتیب، یادگیری نیز گزینشی و هم‌نوا با روان‌بنه‌ها رخ خواهد داد؛ از جمله این اطلاعات، آموزه‌های دینی است؛ به‌طور مثال فردی که روان‌بنه‌هایی در حوزه بریدگی و طرد دارد، دین و مسائل دینی را نیز هم‌سو با روان‌بنه‌ها درک و درونی می‌کند؛ مثلاً چنین فردی علاوه بر فشارهایی که اُبژه‌ها و روان‌بنه‌های روانشناختی برای او ایجاد می‌کند، فشار مضاعفی از سوی اُبژه‌ها و روان‌بنه‌های دینی را تجربه خواهد کرد و این به‌معنای احتمال گسترش و شدت بیماری‌های روانشناختی این فرد نسبت به فرد دارای ناپایبندی دینی است. او ضمن بازخورد منفی‌ای که از خود و محیط می‌گیرد، هرگونه ناملایمتی را نشانی از طرد شدگی توسط خدا تلقی خواهد کرد؛ لذا کارکرد دین در مورد چنین فردی مختل می‌شود و هیجان منفی بیشتری نسبت به فرد غیرمعتقد به خدا یا ناپایبند به دین تجربه خواهد کرد و این هیجان در رفتارهای فردی و بین‌فردی (از جمله روابط زناشویی) بروز بیشتری خواهد داشت. البته وجود روان‌بنه‌های سازگار روانشناختی و در مسیر آن، به‌وجود آمدن روان‌بنه‌های سازگار دینی (معنوی) را برای تجربه سلامت روانشناختی و معنوی فراهم خواهد ساخت؛ حتی در سطحی بالاتر از افرادی که صرفاً از روان‌بنه‌های سازگار روانشناختی بهره‌مندند. هم‌چنین براساس یافته‌های پژوهش، دینداری به‌طور معناداری رابطه باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی را تعدیل می‌کند؛ بدین معنا که تفاوت همبستگی این نمره کل و باورهای انتظار زیاد از خود (اعتقاد فرد به اینکه لازمه احساس ارزشمندی، وجود حداکثر لیاقت، کمال و فعالیت شدید است). تمایل به سرزنش (اعتقاد فرد به اینکه گروهی از مردم از جمله خودش بد، شرور و بد ذات

1. Compulsive.

هستند). باید بشدت مذمت و تنبیه شود و در مقابل مشکلاتها و اختلالهای رفتاری خود و دیگران نیز باید کاملاً بر آشفته و محزون شد)، نگرانی همراه با اضطراب، وابستگی، درماندگی نسبت به تغییر و کاملگرایی با تعارض زناشویی در سطوح دینداری معنادار است؛ به عبارت دیگر دینداری باعث تقویت رابطه تعارض زناشویی و نمره کل و باورهای انتظار زیاد از خود، تمایل به سرزنش، نگرانی همراه با اضطراب (اعتقاد فرد به اینکه چیزهای خطرناک و ترس آور موجب نگرانی می شود و فرد همواره باید تلاش کند تا به وقوع پیوستن آنها را به تأخیر بیندازد). و درماندگی نسبت به تغییر (اعتقاد فرد به اینکه تجربه، وقایع گذشته و تاریخچه زندگی، تعیین کننده مطلق رفتار کنونی است و اثر گذشته را در تعیین رفتار کنونی به هیچ وجه نمی توان نادیده انگاشت). می شود، حال اینکه افزایش دینداری به ضعف رابطه تعارض زناشویی با باورهای غیرمنطقی وابستگی (اعتقاد فرد به اینکه باید به دیگران متکی باشد و بر انسان قویتر دیگری تکیه کند). و کاملگرایی (اعتقاد فرد به اینکه هر مشکلی همیشه فقط یک راه حل درست و کامل دارد و اگر انسان به آن دست نیابد، بسیار وحشتناک و فاجعه آمیز خواهد بود). می انجامد. این خطای شناختی گویای این است که اگر فرد به کاملترین و بالاترین سطح مورد نظر خود نرسد، گویی هیچ موفقیتی به دست نیاورده است. در مورد دیگر باورهای غیرمنطقی نیاز به تأیید دیگران (اعتقاد فرد به اینکه لازم و ضروری است که همه افراد جامعه او را دوست بدارند و تعظیم و تکریمش کنند). واکنش به ناکامی (اعتقاد فرد به اینکه اگر وقایع و حوادث آن طور نباشد که او می خواهد، نهایت ناراحتی و بیچارگی به بار می آید و فاجعه آمیز خواهد بود)، بی مسئولیتی عاطفی (اعتقاد فرد به اینکه بدبختی و ناخشنودی او با عوامل بیرونی به وجود آمده است). و پرهیز از مشکلات (اعتقاد فرد به اینکه پرهیز و دوری از بعضی مشکلات زندگی و مسئولیت ها از روبه رو شدن با آنها آسان تر است). نقش تعدیل کننده دینداری مورد تأیید قرار نگرفت.

هیچ پژوهش بومی و غیربومی همسو یا ناهمسو با این یافته به دست نیامد. در تبیین این یافته می توان گفت با توجه تفاوت یافته ها در میان باورهای غیرمنطقی، این احتمال هست که برخی باورهای غیرمنطقی فهرست الیس (۱۹۷۳) که از طریق مطالعات در فرهنگ غیرایرانی شکل گرفته است با جامعه ایرانی مطابق نباشد. از سوی دیگر شاید بتوان انواع دیگری از تفکرات غیرمنطقی را با توجه به فرهنگ، دین، چگونگی تربیت، طبقات اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی در جامعه ایرانی بر شمرد که در این فهرست نیامده است (جمشیدی، حسین چاری، حقیقت و رزمی، ۱۳۸۸: ۴۰ و مؤمن زاده، مظاهری و حیدری، ۱۳۸۴: ۳۷۶). در تبیین نقش مثبت تعدیل کنندگی دینداری در

رابطه کاملگرایی و تعارض زناشویی می‌توان به کارکرد دین در افزایش انعطاف‌پذیری (بالتر، ۲۰۰۲: ۲۳۴)، سازش‌یافتگی (جان‌بزرگی، ۱۳۷۸: ۵؛ خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴: ۳۱۰ و روزن، ۱۹۸۲: ۲۷)، احساس معناداری در زندگی (کامتور تامسون، ترجمه صالحی و عباسی، ۱۳۸۸: ۲۰۰) و تأکید بر عقلانیت و معرفت (قدردان قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) اشاره کرد که مقابله مثبتی در برابر ویژگیهای این باور غیرمنطقی از جمله انعطاف‌ناپذیری، مخالفت با واقعیت و غیرمنطقی بودن (جلالی طهرانی، ۱۳۶۸ به نقل از آیینه‌چی، ۱۳۹۰: ۶۰ - ۶۱) است.

در تبیین یافته‌های مربوط به باورهای غیرمنطقی، علاوه بر نکاتی که از جان‌بزرگی (۱۳۷۸: ۱۲۴)، پیروتینسکی، رزمارین، هالت، فلدمن، کاپلان، میدارسکی و پارگامنت (۲۰۱۱: ۴۹۴) و جان‌بزرگی (۱۳۸۹)، شک (۲۰۱۲: ۳) و جان‌بزرگی (۱۳۸۶: ۳۶۰ - ۳۶۲) نقل شد در تبیین نقش منفی دینی در ارتباط نمره کل و باورهای انتظار زیاد از خود، تمایل به سرزنش، نگرانی همراه با اضطراب، وابستگی و درماندگی نسبت به تغییر با تعارض زناشویی، می‌توان به احتمال ترجمه غیردقیق یا برداشت نادرست از برخی گویه‌های این سه باور به دلیل تفاوت فرهنگی جامعه ساخت و اجرای پرسشنامه اشاره کرد؛ مانند «خطاکاران، سزاوار مجازاتی هستند که به آن گرفتار می‌شوند»؛ «کسانی را که خطا می‌کنند باید سرزنش و توبیخ کرد»؛ «افراد فاسد باید بشدت تنبیه شوند»؛ «انسان نیازمند اتکا به فردی قویتر از خود است»؛ «همیشه سعی می‌کنم در کارهای مهم با یک فرد قویتر از خود مشورت کنم». در تبیینی دیگر، می‌توان به مراحل تحول روانی - معنوی گنیا (۱۹۹۰) به نقل از جان‌بزرگی، ۱۳۸۶: ۳۶۶ - ۳۶۹ اشاره کرد. این احتمال هست که اگر دینداری فرد در مراحل سه‌گانه اول مانده باشد، هرچه بر میزان آن افزوده شود، آسیب‌های آن نیز گسترده‌تر خواهد شد؛ لذا به جای اینکه دینداری، رابطه باورهای غیرمنطقی را تضعیف کند تا از این طریق، این باورها بروز هیجانی و رفتاری کمتری داشته باشد و تعارض زناشویی رخ دهد با تغییر جهت یا شدت ارتباط به نفع تعارض زناشویی عمل می‌کند (و بر آن می‌افزاید).

منابع

احتشام‌زاده، پروین؛ برنا، محمدرضا؛ یوسفی، مریم (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهتگیری دینی و باورهای غیرمنطقی با افسردگی بیماران MS. یافته‌های نو در روانشناسی. س ششم. ش ۲۰: ۵۵ - ۶۷.

- احمدی، خدابخش؛ افسردیر، بیتا (۱۳۹۳). نقش نگرش دینی در کاهش تعارضات زناشویی. اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده.
- آهی، قاسم؛ محمدی‌فر، محمدعلی؛ بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). اعتباریابی مقیاس طرحواره سازش نایافته (فرم کوتاه). *مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*. ۳۸. ش ۳: ۵-۲۰.
- آینه‌چی، عباس (۱۳۹۰). رابطه سبکهای والدینی و باورهای غیرمنطقی والدین و تأثیر آن بر پابندی دینی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- بختیارپور، سعید؛ عامری، زینب (۱۳۸۸). رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیرمنطقی با دزدگی زناشویی در دیران متأهل اهواز. *یافته‌های نو در روانشناسی*. ۴. ش ۱۰: ۵۳-۷۰.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۴). *روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر دوران.
- پوررحیمی، مریم؛ شاکر، علی (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین براساس باورهای غیرمنطقی و کمال‌گرایی و نوع دل‌بستگی. *تحقیقات روانشناختی*. ۴. ش ۱۴: ۱۱-۲۱.
- ثنایی، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحی، شهره؛ هومن، عباس (۱۳۹۶). *مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۷۸). بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت آموزش خودمهارگری با و بدون جهتگیری دینی (اسلامی) بر مهار اضطراب و تنیدگی در سطح دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه دکتری روانشناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶). جهتگیری دینی و سلامت روان. پژوهش در پزشکی. ۳۱. ش ۴: ۳۴۵-۳۵۰.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی آزمون پابندی دینی براساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه. *مطالعات اسلام و روانشناسی*. ۳. ش ۵: ۷۹-۱۰۶.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). نشست روانشناسی «درمانگری دینی». انجمن روانشناسی اسلامی. قم: انجمن‌های علمی حوزه.
- جلالی طهرانی، محمدحسین (۱۳۶۸). *جزوه روان‌درمانی براساس نظریه الیس*. دانشگاه تهران.
- جمشیدی، بهنام؛ حسین‌چاری، مسعود؛ حقیقت، شهربانو؛ رمزی، محمدرضا (۱۳۸۸). اعتباریابی مقیاس جدید کمال‌گرایی. *مجله علوم رفتاری*. ۳. ش ۱: ۳۵-۴۳.
- جمشیدی‌ها، غلام‌رضا؛ نریمانی، سعید؛ جمالی، عبدالله (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه شهری ایران. *مهندسی فرهنگی*. ۳. ش ۱۰: ۸۵-۲۹.
- حیدری، حسن؛ ثنایی‌ذاکر، باقر؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ دلاور، علی (۱۳۸۸). اثربخشی گفتگوی مؤثر (برنامه ارتباط زوج‌ها (ccp) بر کاهش تعارضات زناشویی. *مجله اندیشه و رفتار*. ۳. ش ۱۴: ۱۵-۲۴.
- خدانپاهی، محمدرکیم؛ خاکسار بلداجی، محمدعلی (۱۳۸۴). رابطه جهتگیری دینی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی*. ۳. ش ۳۱۰: ۳۲۰-۳۱۰.

- خسروی، زهره؛ سیف، سوسن؛ عالی، شهربانو (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین نوع فرایند طرحواره‌ای و نگرش به ازدواج. **مجله پژوهش در سلامت روانشناختی**. س اول. ش ۴: ۳۱ - ۴۰.
- دائمی، فاطمه؛ جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۰). تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت‌خود کودکان. **مجله علوم رفتاری**. س ۵. ش ۲: ۱۶۵ - ۱۷۲.
- دوناپوش، علی (۱۳۷۷). **هنجاریابی مقدماتی آزمون باورهای غیرمنطقی جونز برای دانش‌آموزان پسر و دختر ۱۸-۱۵ ساله دبیرستانهای دولتی شهر یاسوج در سال تحصیلی ۷۵ - ۱۳۷۶**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- ذوالفقاری، مریم؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ عابدی، محمدرضا (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**. س چهارم. ش ۳: ۲۴۷ - ۲۶۱.
- ربر، آرتور. اس (۱۹۹۵). **فرهنگ روانشناسی توصیفی**. ترجمه یوسف کریمی، هاماباک آوادیس یاسن، محمدعلی اصغری مقدم، فرزانه فرحزاد، سیامک نقشبندی، محمدرضا نیکخو، جواد طهوریان، ژانت صلیبی (۱۳۹۰). تهران: رشد.
- رشیدی، فرنگیس؛ قدسی، احقر؛ شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۹). نقش باورهای غیرمنطقی بر سلامت روان دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران. **مجله اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی**. س پنجم. ش ۱۸: ۴۹ - ۶۵.
- سیاوشی، حسین؛ نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۴). رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دبیران دبیرستانهای ملایر. **پژوهشهای مشاوره (تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره)**. س چهارم. ش ۱۵: ۹ - ۳۴.
- صدیقی، اکرم؛ صفریگی، شهناز؛ محبی، سیامک؛ شاه‌سیاه، مرضیه (۱۳۹۳). بررسی رابطه جهنگیری دینی با سازگاری زناشویی زوجین. **دین و سلامت**. س دوم. ش ۱: ۴۹ - ۵۶.
- عبدالله‌پور، نازی؛ مقیمی‌آذری، محمدباقر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی‌اقدم، میرروح‌الله؛ اشرفی، علی؛ زکی، زینب (۱۳۸۸). رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز. **علوم اجتماعی**. س سوم. ش ۷: ۱۵۷ - ۱۷۶.
- غرای، بنفشه؛ احمدوند، افشین؛ اکبری‌دهقی، اشرف؛ زنونزبان، سعیده (۱۳۸۷). بررسی ارتباط سلامت روان با دین درونی و بیرونی در شهر کاشان. **پژوهشهای نوین روانشناختی (دانشگاه تبریز)**. س سوم. ش ۱۰: ۵۹ - ۸۳.
- فقیهی، علی‌نقی؛ خدایاری‌فرد، محمد؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی‌یکتا، محسن (۱۳۸۵). بررسی الگوی دینداری از دیدگاه قرآن و سنت. **اندیشه دینی**. س هشتم. ش ۱۹: ۴۱ - ۷۰.
- قدردان‌قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۹). کارکرد دین در انسان و جامعه. **قیسات**. س هشتم. ش ۲۸: ۱۶۱ - ۱۸۸.
- کامتورتامسون، ویلیام‌سی (۲۰۰۵). بهزیستی از دیدگاه دین و روانشناسی. ترجمه و نقد مبین صالحی و مهدی عباسی (۱۳۸۸). **مجله روانشناسی و دین**. س دوم. ش ۲: ۱۸۹ - ۲۴۶.
- گردی، فلور؛ میناکاری، محمود؛ حیدری، محمود (۱۳۸۴). رابطه سلامت روانی با تفکرات غیرمنطقی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی. **مجله پژوهشهای روانشناختی**. س هشتم. ش ۳ و ۴: ۴۵ - ۶۱.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). **گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵**. تهران: نشر مرکز آمار ایران. قابل دسترسی در: <http://www.amar.org.ir>
- مسرت‌مشهدی، زینب؛ دولتشاهی، بهروز (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی سازگاری زناشویی از باورهای غیرمنطقی. **رویش روانشناسی**. س ششم. ش ۱۸: ۶۹-۸۴.
- معمدین، مختار؛ عبادی، غلام‌حسین (۱۳۸۶). نقش باورهای غیرمنطقی و پرخاشگری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز. **پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه‌ریزی درسی)**. ش ۱۴: ۱-۲۲.
- موسوی، مریم‌السادات؛ رشیدی، علیرضا، گل‌محمدیان، محسن (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر افزایش رضایت زناشویی همسران جانباز و آزاده. **مشاوره کاربردی**. س سوم. ش ۱۰: ۹۳-۱۰۹.
- موسوی، سمیه؛ قاضی، قاسم (۱۳۹۶). بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی با ناسازگاری زناشویی در پرستاران متأهل زن و مرد. **پیشرفتهای نوین در علوم رفتاری**. س دوم. ش ۸: ۵۴-۶۶.
- مهین‌ترابی، سمیه؛ مظاهری، محمدعلی؛ صاحبی، علی؛ موسوی، ولی‌الله (۱۳۹۰). تأثیر آموزشهای شناختی - رفتاری بر تعدیل انتظارات غیرمنطقی، بلوغ عاطفی و ناراضی‌ت زناشویی در زنان. **مجله علوم رفتاری**. سپنجم. ش ۱۶: ۱۲۷-۱۳۳.
- مؤمن‌زاده، فرید؛ مظاهری، محمدعلی؛ حیدری، محمود (۱۳۸۴). ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی. **خانواده پژوهی**. س اول. ش ۴: ۳۶۹-۳۷۴.
- نظیری، قاسم؛ دادفر، محبوبه؛ کریمی‌کیسیمی، عیسی (۱۳۸۴). نقش پایبندیهای دینی، باورهای ناکارآمد دینی، احساس گناه و باورهای ناکارآمد شناختی در شدت علائم وسواسی - اجباری. **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)**. س یازدهم. ش ۳: ۲۸۳-۲۸۹.
- یانگ، جی؛ کلاسکو، جی؛ ویشار، ام (۲۰۰۳). **طرحواره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی**. ترجمه حسن حمیدپور (۱۳۹۸). تهران: انتشارات ارجمند.
- یوسفی، رحیم؛ عابدین، علی‌رضا؛ فتح‌آبادی، جلیل؛ تیرگری، سراج‌الحکیم (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو مداخله آموزش گروهی روان‌بنده محور و سبک زندگی محور در ارتقای سطح بینش شناختی زوجین دارای ناراضی‌ت زناشویی. **فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده**. س اول. ش ۲: ۱۳۹-۱۶۰.
- یوسفی، ناصر؛ اعتمادی، عذرا؛ احمدی، سیداحمد؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۸۹). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق. **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)**. س شانزدهم. ش ۶۰: ۲۱-۳۳.

- Amato, P.R. and Marriott, B.H. (2016). A Comparison of high-and low Distress Marriages that end in Divorce. *Journal of Marriage and Family*. 69(2): 621-638.
- Booth, A., Johnson, D.R., Branaman, A., and Sica, A. (1995). Belief and behavior: Does religion matter in today's marriage? *Journal of Marriage and the Family*, 57, 661-671.
- Bulter, L. (2002). Self-concept as a predictor of college freshman academic adjustment. *College Student Journal*. 36(2), 234-246.

- Butler, M.H., Stout, J.A., and Gardner, B.C. (2002). Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples' report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility. *American Journal of Family Therapy*, 30, 19-37.
- Call, V.R., and Heaton, T.B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(3), 382-392.
- Crawford, E., and Wright, M.O. (2007). The impact of childhood psychological maltreatment on interpersonal schemas and subsequent experiences of relationship aggression. *Journal of Emotional Abuse*, 7, 93-116.
- Daaleman, T.P., and VandeCreek, L. (2000). Placing religion and spirituality in end-of-life care. *Journal of the American Medical Association*, 284, 2514-2517.
- Dulong, J. (2007). How Can I Keep From Suffocating in A Relationship? *Psychology Today*, 40(1), 46-47.
- Ellis, A. (1973). Rational-emotive therapy. In R.J. Corsini (Ed.), *Current Psychotherapies* (pp. 167-206). Itasca, IL: Peacock.
- Ellis, A. (1978). Treating the Abrasive client with Rational – Emotive Therapy. *Journal of Psychotherapy*, 1.
- Flanagan, J., and Flanagan, R. (2004). *Counseling and psychotherapy theories in context and practice*. New York: Wiley.
- Gaffey, K.J. (2009) *The Role of Emotion Regulation and Early Maladaptive Schemas in the Long-Term Impact of Child Maltreatment on Intimate Relationships*. Doctor of Philosophy, Miami University.
- Gall, T.L., Kristjansson, E., Charbonneau, C., and Florack, P. (2009). A longitudinal study on the role of spirituality in response to the diagnosis and treatment of breast cancer. *Journal of Behavioral Medicine*, 32, 174-186.
- Haseley, J.L. (2006). *Marital Satisfaction among Newly Married Couples: Association with Religiosity and Romantic Attachment Style*. Dissertation Prepared for the Degree of doctor of philosophy. University of north Texas.
- Hunt, R.A. and King, M.B. (1978). Religiosity and marriage. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 17, 399-406.
- Jones, R.G. (1969). A factored measure of Ellis's irrational belief system, *Dissertation Abstracts International*, 29, 4379-4380.
- Kiecolt-Glaser, J.K., Malarkey, W.B., Chee, M., Newton, T., Cacioppo, J.T., Mao, H.Y., and Glaser, R. (1993). Negative behavior during marital conflict is associated with immunological down-regulation. *Psychosomatic medicine*, 55(5) 395-409.
- Mahoney, A., Pargament, K.I., Jewell, T., Swank, A.B., Scott, E., Emery, E., and Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13, 321-338.
- Messman-Moore, T.L., and Coates, A.A. (2007). The impact of childhood psychological abuse on adult interpersonal conflict: The role of early maladaptive schemas and patterns of interpersonal behavior. *Journal of Emotional Abuse*, 7, 75-92.
- Metts, S. and Cupach, W.R. (1990). The influence of relation beliefs and problem solving responses on satisfaction in romantic relationships. *Journal of Human Communication Research*, 17, 170-185.
- Mokhtari, S., Bahrami, F., Padash, Z., Hosseinian, S., and Soltanizadeh, M. (2012). The effect of schema therapy on marital satisfaction of couples with obsessive-compulsive personality disorder (OCPD). *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 3(12), 207-225.
- Muller, A.T., Rabe, H.M. and Nortje, C. (2001). Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and nondistressed married individuals. *Journal of Rational-Emotive and Cognitive Behavior Therapy*, 19, 259-270.
- Orathinkal, J., and Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28, 497-504.

- Park, C.L. (2012). Religious and Spiritual Aspects of Meaning in the Context of Work Life. Ads in "Psychology of Religion and Workplace Spirituality", Hill, P.C.; Dik, K.D. and Dik, B.J.; IAP publisher.
- Pirutinsky, S., Rosmarin, D.H., Holt, C.L., Feldman, R.H., Caplan, L.S., Midlarsky, E., and Pargament, K.I. (2011). Does social support mediate the moderating effect of intrinsic religiosity on the relationship between physical health and depressive symptoms among Jews? *Journal of Behavioral Medicine*, 34, 489-496.
- Ponce, A.N., Williams, M.K. and Allen, G.J. (2004). Experience of maltreatment as a child and acceptance of violence in adult intimate relationships: mediating effects of distortions in cognitive schemas. *Journal of Violence and Victims*, 19, 97-108.
- Racine, C. (2005). Does religious coping moderate the relationship between early maladaptive schemas and negative trait affect, college adjustment, and alcohol use? Unpublished Doctoral Dissertation, New York University.
- Rosen, C.E. (1982). Ethnic differences among impoverished rural elderly in use of religion as a coping mechanism. *Journal of Rural Community Psychology*, 3, 27-34.
- Roth, P.D. (1988) Spiritual well-being and marital adjustment. *Journal of Psychology and Theology*, 16, 153-158.
- Shek, D.T.L. (2012) Spirituality as a Positive Youth Development Construct: A Conceptual Review. *Scientific World Journal*.
- Snow, T.S. and Compton, W.C. (1996). Marital satisfaction and communication in fundamentalist Protestant marriages. *Journal of Psychology Reports*, 78, 979-985.
- Stallard P. (2007). Early maladaptive schemas in children: Stability and differences between a community and a clinic referred sample. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 14, 10-18.
- Steuber, K.R. (2005). Adult attachment, conflict style, and relationship satisfaction: A comprehensive model. Unpublished Doctoral dissertation. New York University.
- Sullivan, K.T. (2001). Understanding the Relationship Between Religiosity and Marriage: An Investigation of the Immediate and Longitudinal Effects of Religiosity on Newlywed Couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-626.
- Verhagen, P., Van, P.H.M., López-Ibor, J.J., Cox, J. and Moussaoui, D. (2010). *Religion and Psychiatry: Beyond Boundaries*. Wiley press.
- Waller, G., Meyer, C., and Ohanian, V. (2001). Psychometric Properties of the Long and Short Versions of the Young Schema Questionnaire: Core Beliefs among Bulimic and Comparison Women. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 25(2), 137-147.
- Wells, N.D. (2007). The effects of early maladaptive schemas and religiosity on adjustment and mood among African American college students. Doctoral Dissertation, Fordham University.
- Young, J.E. (1990). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema focused approach*. Sarasota, FL: Professional Resource Press.
- Young, J.E. (1998). *Young Schema Questionnaire. Short form (1st Ed.)*. New York: Cognitive Therapy Center.
- Young, J.E. and Gluhoski, V.L. (1997). A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships. In R.J. Sternberg and M. Hojjat (Eds.). *Satisfaction in close relationships* (pp.356-381). New York: Guilford.
- Young, M.E. and Long, L.L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. Pacific Grove: Brooks/Cole Publishing.